

تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد پایین

سید کمال صادقی^۱، جلال منتظری شورکچالی^۲، علی دهقانی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۱/۲۰

چکیده

مطالعه حاضر با توجه به نقش مهم فعالیت‌های دولت در رشد و توسعه اقتصادی کشورها تلاش کرده است با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، به بررسی تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ۲۳ کشور منتخب^۱ طی سالهای ۱۹۸۰-۲۰۰۸ بپردازد. با توجه به نتایج به دست آمده، اندازه دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته به نحوی که افزایش یک درصدی در اندازه دولت، منجر به کاهشی از ۰/۰۸۶ درصد تا ۰/۲۱۴ درصد در رشد اقتصادی این کشورها می‌شود. علاوه بر این، نتایج به دست آمده دلالت بر تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری و تأثیر منفی نرخ تورم و نرخ باروری زنان بر رشد اقتصادی این کشورها دارد. در ضمن اندازه اقتصاد تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی این کشورها نداشته و آزادی تجاری بسته به شرایط تخمین مدل در برخی از مواقع اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته و گاه اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی نداشته است.

طبقه‌بندی JEL: O40, H50, C23.

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، اندازه دولت، مخارج مصرفی، داده‌های تابلویی.

* استادیار دانشگاه تبریز، گروه اقتصاد، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

sadeghiseyedikamal@gmail.com

** کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز، پست الکترونیکی:

Jalalmentazeri@gmail.com

*** دانشجوی دکتری اقتصاد صنعتی دانشگاه تبریز، پست الکترونیکی:

dehghani30@gmail.com

۱- محدودیت داده‌های مورد نیاز، برای کشورهایی که درآمد آنها از متوسط درآمد جهانی کمتر است، باعث شده است مطالعه حاضر به ۲۳ کشور محدود شود.

۱- مقدمه

اقتصاددانان اندازه (یا مخارج) دولت را از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر سطح تولید و رشد اقتصادی یک کشور یاد می‌نمایند. مطالعات زیادی در داخل و خارج به بررسی اثرگذاری اندازه (یا مخارج) دولت بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. این مطالعات بسته به مقتضیات مکانی و زمانی نتایج مختلفی را درباره نحوه ارتباط این دو متغیر گزارش کرده‌اند. از این رو، شناخت چگونگی روابط دقیق بین اندازه (مخارج) دولت و رشد اقتصادی در هر اقتصاد مستلزم انجام مطالعات تجربی است. نظریه عدم اتفاق نظر عمومی در این زمینه و ضرورت بحث مطالعه اخیر با هدف بررسی این فرضیه که "مخارج دولت تا یک حدی از کارایی برخوردار می‌باشد" تلاش خواهد کرد تا تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ۲۳ کشور منتخب را بر پایه متد رهیافت داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دهد. لذا بعد از بیان مقدمه، در بخش دوم ادبیات تحقیق و مطالعات تجربی قبلی مرور خواهد شد. در بخش سوم مدل تحقیق ارائه شده است. در بخش چهارم یافته‌های تجربی تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نهایتاً در بخش پایانی جمع‌بندی، نتیجه‌گیری تحقیق و توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

۲- ادبیات تحقیق

در بخش اول این قسمت مبانی نظری تحقیق و در بخش دوم مطالعات تجربی انجام گرفته در داخل و خارج کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- مبانی نظری تحقیق

نظریه ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی، از جمله مباحث پیچیده اقتصادی قلمداد می‌شود که برای نخستین بار توماس هابز^۲ در سال ۱۶۵۰ آن را مطرح کرد. بر اساس نظریه‌های هابز، عملکرد دولت در زمینه‌هایی نظیر حمایت از حقوق مالکیت، تشویق کننده رشد اقتصادی است. همچنین دولت می‌تواند رشد اقتصادی را از طریق توسعه امور زیربنایی تقویت نماید. از سوی دیگر امنیت ملی، حقوق مالکیت، نظام قضایی و نظام پولی پایدار از جمله مواردی هستند که سوی تقویت کننده رشد اقتصادی به شمار می‌روند.

² - Thomas Hobbes

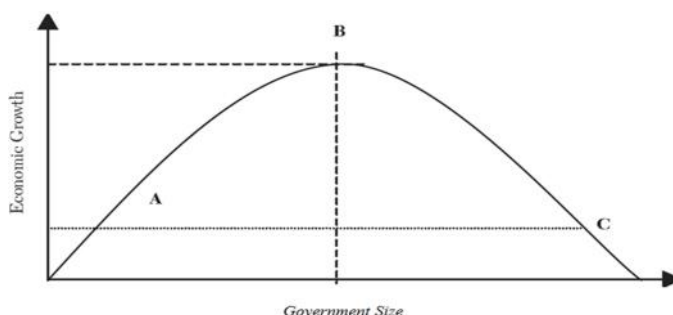
هرمن^۳ نیز معتقد است که امنیت ملی، حقوق مالکیت، نظام قضایی و نظام پولی پایدار از جمله موارد

تقویت کننده رشد اقتصادی به شمار می‌روند.

کالدور^۴ در نظریه خود به نقد اندازه‌گیری تولید دولتی و سنجش اثر این شاخص بر رشد پرداخته است. وی معتقد است که دخالت دولت در اقتصاد، بر رشد و بهره‌وری بلند مدت اثر می‌گذارد و به طور مشخص تأکید می‌کند که افزایش مخارج عمومی، بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

توسعه نظریه اندازه بهینه دولت و رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را می‌توان به ریچارد آرمی^۵ (۱۹۹۵) نسبت داد. آرمی با استفاده از تکنیک گرافیکی آرتور لافر^۶ به تبیین بحث بهینه‌گی اندازه دولت پرداخته که برای تبیین این بهینه‌گی می‌توان از منحنی آرمی^۷ کمک گرفت که شکل آن در نمودار (۱) ترسیم شده است:^۸

نمودار (۱): منحنی آرمی



مأخذ: لیزاردو و مولیک^۹

همانطور که از نمودار (۱) مشخص است با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اثر نامطلوب رشد پیوسته اندازه دولت سرانجام باعث از بین رفتن اثر مطلوب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در نقطه B می‌شود. قبل از نقطه B اگرچه مخارج دولت تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد ولی هرچه از نقطه A به نقطه B نزدیکتر می‌شویم از شدت این اثرگذاری مثبت کاسته می‌شود. در ضمن بعد از نقطه B افزایش مخارج دولت نه تنها باعث افزایش

³ - Hermann Klenner, 1999, PP. 13-30

⁴ - Kaldor, 1966, PP. 120-135

⁵ - Armeý R.

⁶ - Arthur Laffer

⁷ - Armeý Curve

⁸ - Vedder and Gallway, 1998, P.2

⁹ - Lizardo and Mollick, 2009, P.258

رشد اقتصادی نمی‌شود بلکه باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.^{۱۰} آرمی در واقع نشان می‌دهد که افزایش مداخله دولت و گسترش آن در دولت‌های کوچک، با افزایش تولید همراه است. در حالی که با گسترش اندازه آن از یک آستانه خاص، از ویژگی‌های افزایشی تولید کاسته می‌شود. از دلایل این امر می‌توان به استقرار دولت و یا افزایش مالیات‌ها به منظور تامین مخارج دولت بزرگ شده اشاره نمود که منجر به کاهش انگیزه کسب و کار و در نتیجه توقف و یا کاهش رشد اقتصادی می‌شود.^{۱۱}

از سویی شیهی^{۱۲} (۱۹۹۳) در توجیه رابطه فوق، بیان می‌نماید که دولت با اندازه کوچک در تامین کالاهای عمومی، تامین اجتماعی افراد جامعه، دفاع از مالکیت‌های معنوی و ... موفق تر است و همزمان با افزایش اندازه دولت، افزایش نرخ مالیات‌ها منجر به خروج سرمایه و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. مبانی نظری که به تبیین رابطه بین اندازه (یا مخارج) دولت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند را از دو دیدگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد. در دیدگاه اول اثرگذاری مثبت یا منفی اندازه (یا مخارج) دولت بر رشد اقتصادی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و اندازه بهینه دولت موضوع مورد بحث در دیدگاه دوم می‌باشد.

بر اساس دیدگاه اول دو نقطه نظر اساسی وجود دارد، الف) اندازه بزرگتر دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. اعمال دولت از ناکارایی برخوردار است. برای مثال، عهده‌دار شدن سرمایه‌گذاری‌های عمومی با هزینه‌های سنگین و مالکیت ناکارا در بخشهای کشاورزی، صنعت، انرژی، بانک و خدمات مالی، امکانات را برای سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی کاهش می‌دهد، در نتیجه در بلندمدت اندازه بزرگتر دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این تامین بودجه دولت از طریق بدهی‌های داخلی و خارجی، سیستمهای مالی خصوصی را تحت فشار قرار می‌دهد و در نتیجه فرصتهای سرمایه‌گذاری-های سود آور را از بخشهای خصوصی می‌گیرد. ب) دولت نقشی اساسی را در توسعه کشورها بازی می‌کند و بنابراین در بلندمدت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورها دارد. از نقطه نظر این گروه در تعارض‌هایی که بین منافع شخصی و عمومی پیش می‌آید دولت در جهت هدایت اقتصاد به سمت نقطه بهینه رشد و توسعه نقشی اساسی و کلیدی را بر عهده دارد.^{۱۳}

در دیدگاه دوم برای مخارج دولت یک نقطه بهینه متصور هستند که بر این اساس

¹⁰- Lizardo and Mollick, 2009, P.257

¹¹- Vedder and Gallway, 1998, P.3

¹²- Sheehey E

¹³- Ghali, 1998, PP. 975 and 976

مخارج دولت را به دو قسمت مخارج مولد و غیرمولد تقسیم می‌کنند. به عبارتی داریم:

$$GE_t = PE_t + UE_t$$

بطوری که GE_t کل مخارج دولت را نشان می‌دهد، PE_t آن بخش مولد مخارج دولت مثل سرمایه‌گذاری‌های موثر در سرمایه انسانی، زیرساختها، قانون‌گذاری‌ها و ...، UE_t بخش غیر مولد از مخارج دولت مثل بوروکراسی اضافی، فسادهای مالی، برنامه‌ریزی‌های غیر موثر و ... را نشان می‌دهد. بر این اساس برای مخارج دولت یک نقطه بهینه می‌توان متصور بود و آن هنگامی است که $UE_t=0$ باشد. آدولف واگنر^{۱۴} (۱۸۹۰) قانون رشد نسبی بخش عمومی را که عموماً تحت عنوان "قانون واگنر" نامیده می‌شود، بیان نموده است. این نظریه، یکی از انواع نظریه‌هایی است که رشد اقتصادی را به عنوان عامل اساسی رشد بخش عمومی در نظر می‌گیرد. قانون واگنر را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: با افزایش درآمد سرانه در یک سیستم اقتصادی، اندازه نسبی بخش عمومی هم افزایش خواهد یافت (به نقل از پژوهان، ۱۳۸۱، ص ۲۷۹). برخی نظریات، ارتباط بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی را با نحوه تأمین مالی از طریق مالیات بررسی می‌کنند و به ایجاد بار اضافی مالیات‌بندی اشاره دارند. بارو^{۱۵} (۱۹۹۲) در الگوی رشد درون‌زا با کمک همین الگو نشان داد که در اکثر موارد، مالیات‌بندی موجب شکاف بین نرخ بازدهی خصوصی و اجتماعی می‌گردد. این شکاف نرخ مالیات را بین نرخ بازدهی خالص و ناخالص پس‌انداز قرار می‌دهد که این انباشت سرمایه را

کاهش داده و در نتیجه به نرخ رشد اقتصادی کمتر منجر می‌شود. این نوع مالیات‌ها به اثر ضد انگیزه‌ای مالیات بر درآمد کار در کشورها تأکید دارد و اقتصاد را به بخش غیررسمی سوق داده و باعث اثر جایگزینی جبری می‌شود.^{۱۶}

۲-۲- مطالعات تجربی

در بخش اول به مرور مطالعات تجربی انجام گرفته در خارج کشور و در بخش دوم به مرور مطالعات تجربی انجام گرفته در داخل کشور پرداخته شده است.

۲-۲-۱- مطالعات انجام گرفته در خارج کشور

¹⁴ - Adolph Wagner

¹⁵ - Barro

¹⁶- Barro, 1992, pp 260-272

لاندا^{۱۷} (۱۹۸۶) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ۱۰۴ کشور، ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته را طی سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۷ بررسی کرده و به این نتیجه رسید که ارتباط منفی معنی‌داری بین سهم هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی واقعی و نرخ رشد GDP واقعی سرانه وجود دارد. لاندا هزینه‌های دولتی را به پنج نوع هزینه‌های مصرفی، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری، هزینه‌های نظامی و هزینه‌های انتقالی طبقه‌بندی کرد و به این نتیجه رسید که همه آنها تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند. گریر و تالوک^{۱۸} (۱۹۸۹) به بررسی اثرگذاری مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی در ۱۱۳ کشور طی دوره ۱۹۵۰-۱۹۸۱ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که مخارج مصرفی دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته است. همچنین رومر^{۱۹} (۱۹۹۰) نیز نشان داد که نتایج رگرسیونی بیانگر این است که سهم هزینه‌های دولتی از GDP با نرخ رشد GDP سرانه واقعی، رابطه منفی دارد. هسیه و لای^{۲۰} (۱۹۹۴) رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی را در گروه کشورهای G-7 (فرانسه دوره ۱۹۸۷-۱۹۵۰، کانادا ۱۹۸۷-۱۹۲۶، آلمان ۱۹۸۷-۱۹۵۰، ایتالیا ۱۹۸۷-۱۸۸۵، ژاپن ۱۹۸۷-۱۹۵۲، بریتانیا ۱۹۸۷-۱۸۸۵ و آمریکا ۱۹۸۷-۱۸۸۹) مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه آشکار ساخت که رابطه‌ای قوی بین مخارج دولت و رشد اقتصادی وجود دارد در حالی که شواهدی دال بر این که مخارج دولت اثرگذاری منفی یا مثبت بر رشد اقتصادی داشته، مشاهده نشده است.

کاری‌کری^{۲۱} (۱۹۹۵) رابطه بین رشد اقتصادی و مخارج دولت غنا را با تکنیک رگرسیون دو مرحله‌ای (2SLS) و با استفاده از داده‌های سالهای ۱۹۸۴-۱۹۶۳ مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این مطالعه آشکار ساخت که بین رشد اقتصادی و مخارج دولت طی دوره مورد مطالعه رابطه منفی وجود داشته است. گورا^{۲۲} (۱۹۹۵) با استفاده از داده‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ برای ۳۳ کشور آفریقایی به بررسی رابطه مخارج مصرفی دولت و رشد اقتصادی پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده مخارج مصرفی دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. دوارژان^{۲۳} (۱۹۹۶) در یک مطالعه پانلی در ۴۳ کشور و با استفاده از داده‌های سالهای ۱۹۹۰-۱۹۷۰ نتیجه گرفت که مخارج جاری (سرمایه-

17 - Landaue

18 - Grier and Tullkock

19 - Romer, P. M.

20 - Hesieh and Lai

21 - Karikari

22 - Ghura

23 - Devarajan

ای) دولت تاثیر مثبت (منفی) معنی‌داری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. گوسه^{۲۴} (۱۹۹۷) با استفاده از تکنیک OLS و تحلیل‌های سری زمانی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را در ۵۹ کشور مورد مطالعه قرار داده است. نتایج نشان داد که اندازه بزرگتر دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. کنوپ^{۲۵} (۱۹۹۹) با استفاده از تکنیک OLS و تحلیل‌های سری زمانی اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی آمریکا را طی دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۰ مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نتایج گزارش شده کنوپ تاکید می‌کند که کاهش اندازه دولت در آمریکا باعث کاهش رشد اقتصادی و رفاه می‌شود. الباتل^{۲۶} (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های سالهای ۱۹۹۵-۱۹۶۴ و با تکنیک هم‌انباشتگی به بررسی اثرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی عربستان سعودی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که مخارج دولت عربستان اثر مثبتی بر رشد اقتصادی این کشور طی دوره مورد مطالعه داشته است. دار و خلخالی^{۲۷} (۲۰۰۲) در مطالعه پانلی خود و با استفاده از داده‌های سالهای ۱۹۹۹-۱۹۷۱ برای ۱۹ کشور OECD رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اندازه بزرگتر دولت از طریق اثرگذاری نامطلوب بر بهره‌وری کل باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. ابوبادر و ابوقرن^{۲۸} (۲۰۰۳) با استفاده از تکنیک هم‌انباشتگی و تجزیه واریانس و با استفاده از داده‌های دوره ۱۹۹۸-۱۹۷۵ مصر و ۱۹۹۸-۱۹۷۳ سوریه به بررسی اثرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی این دو کشور پرداخته‌اند. بر اساس نتایج گزارش شده مخارج دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. وینگ یوک^{۲۹} (۲۰۰۵) نیز در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های سری زمانی برای دوره ۱۸۳۰-۱۹۹۳ میلادی برای کشور انگلستان پرداخته است. نتایج حاکی از عدم وجود رابطه بلند مدت بین اندازه دولت و رشد اقتصادی است؛ اما در کوتاه مدت متغیر سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی (اندازه دولت) اثر منفی بر رشد داشته است. گوپتا و همکاران^{۳۰} (۲۰۰۵) در مطالعه خود در ۳۹ کشور در حال توسعه برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۰، اثرگذاری مخارج جاری و سرمایه‌ای دولت بر رشد اقتصادی این کشورها مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه آشکار ساخت که مخارج

24 - Guseh

25 - Knoop

26 - Albatel

27 - Dar and Khalkhali

28 - Abu-Bader & Abu-Qarn

29 - Wing Yuk

30 - Gupta et al

جاری دولت در حالی اثر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته که، مخارج سرمایه‌ای دولت اثر مثبت بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. آکسیو^{۳۱} (۲۰۰۷) با تکنیک OLS و با استفاده از داده‌های سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۰ به مطالعه رابطه بین رشد اقتصادی و مخارج دولت در کشور یونان پرداخته است. نتایج این مطالعه آشکار ساخت که مخارج دولت یونان اثر مثبت بر رشد اقتصادی این کشور داشته است. گوش و گریگوری^{۳۲} (۲۰۰۸) در مطالعه خود در ۱۵ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۹۹-۱۹۷۲، رابطه بین مخارج جاری و سرمایه‌ای دولت و رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها نتایجی مبنی بر وجود رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و مخارج سرمایه‌ای و وجود رابطه منفی بین رشد اقتصادی و مخارج جاری را گزارش کرده‌اند. روی^{۳۳} (۲۰۰۹) با استفاده از تکنیک سیستم معادلات هم‌زمان برای دوره ۱۹۹۸-۱۹۵۰، اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشور آمریکا را مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نتایج گزارش شده اندازه بزرگتر دولت اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی آمریکا داشته است. هاکرو^{۳۴} (۲۰۰۹) در مطالعه پانلی خود در کشورهای در حال توسعه آسیایی و طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۱، به بررسی اثرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی این کشورها پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده، مخارج دولت در این کشورها تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه‌شان داشته است.

لیزاردو و مولیک^{۳۵} (۲۰۰۹) در یک مطالعه پانلی و بر پایه روش اثرات ثابت به بررسی اثرگذاری مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی ۲۳ کشور آمریکای لاتین طی سالهای ۲۰۰۳-۱۹۷۴ پرداخته‌اند. تخمین الگوی اقتصادسنجی برگرفته شده از مطالعه بارو^{۳۶} (۱۹۹۱) آشکار ساخت که افزایش یک درصدی در نسبت مخارج مصرفی دولت به GDP منجر به کاهش از ۰/۲۲ درصد تا ۰/۲۸ درصد در رشد اقتصادی این کشورها می‌شود. درضمن نتایج نشان داد در حالی سرمایه‌گذاری اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته که آزادی تجاری تنها در یکی از چهار مدل برآورد شده اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین نتایج نشان داد تورم و اندازه اقتصاد اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی این کشورها داشته‌اند. در این مطالعه شواهدی دال بر اثرگذاری منفی و معنی‌دار نرخ باروری زنان بر رشد اقتصادی گزارش نشده است.

31 - Alexiou

32 - Ghosh and Gregoriou

33 - Roy

34 - Hakro

35 - Lizardo and Mollik

36 - Barro

۲-۲-۲- مطالعات انجام گرفته در داخل کشور

سامتی و همکاران (۱۳۸۲) با تاکید بر تفکیک تابع مصرف گروه‌های مختلف درآمدی و تدوین سیستم معادلات هم‌زمان برای هر کدام از گروه‌ها، به بررسی اثرات هزینه‌های جاری و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی با توجه به توابع مصرف خاص پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۸ هزینه‌های عمرانی در مقایسه با هزینه‌های جاری تاثیر بیشتری بر رشد اقتصادی دارند.

قلی‌زاده (۱۳۸۳) با استفاده از داده‌های دوره ۱۳۸۰-۱۳۳۸ به تعیین اندازه بهینه دولت بر مبنای بودجه عمومی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که هزینه‌های دولت تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته و اندازه بهینه دولت در ایران در دو دامنه ۲۳ و ۲۳/۰۵ درصد قرار دارد. نتایج تحلیل حساسیت این مطالعه نشان داد که مهمترین عامل موثر بر رشد اقتصادی مخارج دولت است. افزایش مخارج دولت به ازای نیروی کار شاغل در کشور در بلند مدت قادر است تا حدود دو درصد رشد اقتصادی را افزایش دهد. تازی و ستاری (۱۳۸۴) با استفاده از داده‌های ۱۹۹۸-۱۹۷۰ و بر پایه رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی در کشورهای اوپک پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که مخارج دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. گسگری و اقبالی (۱۳۸۶) با استفاده از یک تابع کاب داگلاس، با بازدهی ثابت به بررسی اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که مخارج دولت چه به صورت مصرفی و چه به صورت سرمایه‌ای تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. مخارج سرمایه‌ای دولت می‌تواند تا دو سال رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد در حالی که تاثیر مخارج مصرفی معطوف به همان سال است. از سوی دیگر، نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به موجودی سرمایه نیز اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و این اثر از تاثیر مخارج دولت بیشتر است. زیبایی و مظاهری (۱۳۸۸) با استفاده از داده‌های ۱۳۸۴-۱۳۴۰ به بررسی رابطه غیر خطی بین اندازه دولت و رشد اقتصادی با استفاده از تابع تولید دو بخشی توسعه یافته بوسیله رام^{۳۷} (۱۹۸۶) پرداخته‌اند. آنها نتیجه گیری کردند که اندازه فعلی دولت از اندازه بهینه آن عبور کرده است، بنابراین سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی باید کاهش یابد. همچنین وجود اثربخشی غیرخطی اندازه دولت بر رشد بخش کشاورزی مشخص گردید. کمیجانی و

نظری (۱۳۸۸) با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) و با استفاده از داده‌های سالهای ۱۳۸۴-۱۳۵۳ به بررسی اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی پرداختند. آنها با ملاک عمل قرار دادن مبانی نظری کینزی نشان دادند که مخارج دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی ایران دارد.

۳- معرفی الگوی اقتصادسنجی

در این مطالعه به منظور بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و اندازه دولت از الگوی مطرح در مقاله لیزاردو و مولیک (۲۰۰۹) استفاده شده است، که از رهیافت داده‌های تابلویی به تخمین آن می‌پردازیم:

$$GY_t = \alpha_1 + \beta_1 GC_t + \beta_2 INV_t + \beta_3 OPEN_t + \beta_4 INF_t + \beta_5 FER_t + \beta_6 ESIZE_t + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

متغیرهای مورد استفاده در تحقیق به شرح زیر است:

GY: نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ و بر حسب دلار آمریکا

GC: معیاری برای اندازه دولت (مخارج مصرفی دولت عمومی به صورت درصدی از GDP)

INV: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از GDP.

OPEN: حجم تجارت به صورت درصدی از GDP.

INF: نرخ تورم

FER: نرخ باروری کل (زایش سرانه زنان).

ESIZE: شاخص اندازه اقتصاد (GDP کشورهای مورد مطالعه به صورت درصدی از GDP آمریکا).

لازم به تذکر است که تمامی این متغیرها به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ و بر حسب دلار آمریکا می‌باشند و داده‌های آنها از WDI^{۳۸} سال ۲۰۱۰ استخراج شده است^{۳۹}.

ما انتظار داریم S_1 منفی و معنی‌دار باشد. این علامت منفی به این نکته اشاره دارد که اندازه دولت در کشورهای مورد مطالعه از مقدار بهینه‌اش بزرگتر می‌باشد. مطابق تئوری-

³⁸ - World Development Indicators, 2010.

^۲- با توجه به محدودیت سال‌های دسترسی به داده‌های مورد نیاز در WDI سال ۲۰۱۰ مطالعه حاضر به دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۸ محدود شده است.

های اقتصادی ما انتظار داریم S_2 و S_3 مثبت باشند. در ضمن بر اساس مطالعات دی-گری گوری^{۴۰} (۱۹۹۲) ما انتظار داریم $S_4 < 0$ و بر اساس مطالعه بارو (۱۹۹۱) S_5 و S_6 منفی باشند.

۴- یافته‌های تجربی

تخمین شش الگو بر پایه رهیافت داده‌های تابلویی است. به این نحو که در الگوی اول رشد اقتصادی را تنها تابعی از اندازه دولت می‌دانیم. در مراحل بعدی با اضافه کردن یک متغیر توضیحی (FER, INF, OPEN, INV) و ESIZE به الگوی ماقبل به تحلیل برآورد الگوی کاملتر می‌پردازیم. در مرحله آخر اگر چنانچه ضریب متغیری یا متغیرهایی از نظر آماری معنی‌دار نبود مدل بدون لحاظ کردن آن متغیر یا متغیرها برآورد می‌شود. هدف اصلی از برآورد این الگوها بررسی پایداری S_1 (ضریب متغیر اندازه دولت) می‌باشد. در داده‌های تابلویی، ابتدا باید مسئله ناهمگنی واحدها با استفاده از آماره آزمون F مورد بررسی قرار گیرد. در صورت تایید ناهمگنی، مدل از طریق روشهای مختلف موجود برای داده‌های تابلویی همچون روش اثرات ثابت^{۴۱} یا روش اثرات تصادفی^{۴۲} برآورد می‌شود. در غیر این صورت مدل به وسیله روش حداقل مربعات تجمیع شده^{۴۳} تخمین زده می‌شود. در مرحله بعد با استفاده از آماره آزمون هاسمن مسئله همبستگی بین اجزای اخلاص و متغیرهای توضیحی بایستی مورد بررسی قرار گیرد تا از بین دو روش موجود برای تخمین داده‌های تابلویی، روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی، یکی انتخاب شود. نتایج آزمونهای F و هاسمن به همراه ارزش احتمال آماره این آزمونها، برای الگوهای مورد بررسی در جدول (۱) گزارش شده است. بر اساس آماره آزمون F فرضیه صفر این آزمون مبتنی بر اینکه واحدهای انفرادی همگن می‌باشند رد و فرضیه مقابل این آزمون یعنی لزوم استفاده از روشهای موجود برای داده‌های تابلویی در تمامی الگوهای مورد بررسی در سطح اعتماد ۹۹ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در ضمن بر اساس آماره آزمون هاسمن فرضیه صفر این آزمون مبتنی بر اینکه بین اجزای اخلاص و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد (روش اثرات تصادفی RE) برای الگوهای یک و شش در سطح اعتماد ۹۹ درصد رد، و برای الگوهای دو، سه، چهار، پنج و هفت در سطح اعتماد مناسب مورد پذیرش قرار می-

40- De Gregorio

41- Fixed Effects

42- Random Effects

43- Pooled Least Squares

گیرد. بنابراین الگوهای یک و شش به روش اثرات ثابت و الگوهای دو، سه، چهار، پنج و هفت به روش اثرات تصادفی تخمین زده خواهند شد

جدول ۱: نتایج آزمون F و هاسمن

	مقدار آماره آزمون F	ارزش احتمال آماره آزمون F	مقدار آماره آزمون هاسمن (t^2)	ارزش احتمال آماره آزمون هاسمن (t^2)
الگوی (۱)	۶/۰۶۲	۰/۰۰۰	۷/۰۳۸	۰/۰۰۸
الگوی (۲)	۴/۳۴۲	۰/۰۰۰	۲/۶۲۷	۰/۲۶۹
الگوی (۳)	۴/۲۶۳	۰/۰۰۰	۱/۴۷۹	۰/۶۷۸
الگوی (۴)	۳/۳۱۳	۰/۰۰۰	۲/۳۹۴	۰/۶۶۴
الگوی (۵)	۲/۸۹۱	۰/۰۰۰	۳/۲۰۷	۰/۶۶۸
الگوی (۶)	۲/۰۴۲	۰/۰۰۳	۱۸/۱۵۱	۰/۰۰۶
الگوی (۷)	۳/۰۳۰	۰/۰۰۰	۴/۰۵۶	۰/۳۹۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

الگوی اول تنها با حضور متغیرهای GY و GC برآورد شده است. در مراحل بعدی هر یک از الگوهای دو تا شش به ترتیب با اضافه کردن یکی از متغیرهای OPEN, INV, FER, INF به الگوی ماقبل خود برآورد شده‌اند. با توجه به معنی‌دار نبودن آماره ضرایب متغیرهای OPEN (S_3) و ESIZE (S_6) الگوی هفتم بدون لحاظ این متغیرها برآورد شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده ضریب متغیر اندازه دولت (S_1) در تمامی الگوهای برآورد شده منفی و معنی‌دار بوده است. لازم به ذکر است این ضریب در الگوهای یک تا چهار در سطح اعتماد ۹۹ درصد، برای الگوهای پنج و شش در سطح اعتماد ۹۵ درصد و برای الگوی هفتم در سطح اعتماد ۹۰ درصد معنی‌دار بوده است. با توجه به S_1 های برآورد شده، افزایش یک درصدی در GC، بسته به شرایط الگو، منجر به کاهش از ۰/۰۸۶ درصد تا ۰/۲۱۴ درصد در رشد اقتصادی می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که اندازه دولت در کشورهای مورد مطالعه از مقدار بهینه‌اش بزرگتر بوده و این فرضیه را که "مخارج دولت تا یک حدی از کارایی برخوردار می‌باشد" را تایید می‌کند. بنابراین سیاستگذاران و برنامه‌ریزان این کشورها باید تدابیری در جهت کاهش هزینه‌های مصرفی دولت‌هایشان بیاندیشند. همان‌طور که بر اساس تئوری‌های رشد اقتصادی انتظار می‌رفت ضریب متغیر

INV (S_2) در تمامی الگوهای دو تا هفت مثبت و از نظر آماری در سطح اعتماد ۹۹ درصد معنی دار می باشد که این بیانگر این نکته است که سیاست گذاران به منظور نیل به رشد اقتصادی بالاتر باید شرایط مناسب را برای افزایش سرمایه گذاری فراهم آورند. ضریب S_3 در الگوهای سه و چهار در سطح اعتماد ۹۵ درصد معنی دار بوده که نشان می دهد مطابق انتظار حجم تجارت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است اگرچه این ضریب در الگوهای پنج و شش از نظر آماری معنی دار نبوده است. در ضمن مطابق انتظارات ضریب INF (S_4) منفی و از آماری در سطح اعتماد ۹۹ درصد معنی دار و ضریب FER (S_5) منفی و برای الگوهای پنج و هفت در سطح اعتماد ۹۹ درصد و برای الگوی شش در سطح اعتماد ۹۵ درصد از نظر آماری معنی دار می باشد. این نتایج نشان می دهد اعمال سیاست های در جهت کاهش نرخ تورم و نرخ باروری، در کشورهای مورد مطالعه به منظور تحریک رشد اقتصادی موثر واقع خواهد شد. در نهایت ضریب اندازه اقتصاد (S_6) منفی ولی از نظر آماری معنی دار نمی باشد، بنابراین از تفسیر آن نیز خودداری می کنیم.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعه حاضر بر پایه متد رهیافت داده های تابلویی و برای دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۰، به بررسی اثرگذاری اندازه دولت (مخارج مصرفی دولت عمومی به GDP) بر رشد اقتصادی ۲۳ کشور منتخب که دارای درآمد کمتر از متوسط درآمد جهانی است پردازد. نتایج تخمین الگوی تحقیق بر پایه روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی نشان داد که افزایش یک درصدی در اندازه دولت بسته به شرایط ۷ الگوی تخمین زده شده، منجر به کاهش ۰/۰۸۶ درصد تا ۰/۲۱۴ درصد در رشد اقتصادی این کشورها می شود. همچنین نتایج نشان می دهد که سرمایه گذاری تاثیر مثبت، تورم و نرخ باروری زنان تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد و آزادی تجاری در الگوهای سه و چهار اثر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی داشته در حالی که در الگوهای پنج و شش اثر معنی داری بر رشد اقتصادی نداشته است. در نهایت بر اساس الگوی ششم اندازه اقتصاد تاثیر معنی داری بر رشد اقتصادی این کشورها نداشته است. بر مبنای نتایج به دست آمده از تحقیق، به منظور افزایش رشد اقتصادی به سیاست گذاران و برنامه ریزان کشورهای مورد مطالعه از جمله ایران، کاهش مخارج مصرفی دولت، فراهم کردن زمینه لازم برای افزایش سرمایه گذاری، اتخاذ

سیاستهای صحیح در جهت کاهش تورم و نرخ رشد جمعیت به عنوان پیشنهاد مطرح می‌گردد.

منابع

- پژوهشگران، جمشید (۱۳۸۱). اقتصاد بخش عمومی (هزینه‌های دولت). نشر جنگل، تهران.
- تار، فتح‌الله و ستاری، رسول (۱۳۸۴). بررسی تاثیر مخارج دولت و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک. فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ۵(۱۶): ۱۸۱-۱۵۳.
- زیبایی، منصور و مظاهری، زهرا (۱۳۸۸). اندازه‌ی دولت و رشد اقتصادی ایران با تاکید بر رشد بخش کشاورزی: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای. مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، ۲۳(۱): ۲۰-۱۱.
- سامتی، مرتضی و سامتی، مجید و شاهچرا، مهشید (۱۳۸۲). جهت‌گیری مناسب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به منظور دستیابی به رشد بهینه اقتصادی. فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، ۱۵(۱۵): ۱۱۲-۸۱.
- قلی‌زاده، علی اکبر (۱۳۸۳). رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت (بر مبنای بودجه عمومی دولت)، مجله برنامه و بودجه، ۸۵(۸۵): ۵۷-۱۹.
- کامیجانی، اکبر و نظری، روح‌الله (۱۳۸۸). تاثیر اندازه‌ی دولت بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ۹(۳): ۲۹-۱.
- گسگری، ریحانه و اقبالی، علیرضا (۱۳۸۶). اندازه‌ی دولت و رشد اقتصادی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ۸۱(۸۱): ۲۲۶-۲۰۹.
- Abu-Bader, S., & Abu-Qarn, A. S. (2003). Government expenditures, military spending and economic growth: causality evidence from Egypt, Israel, and Syria. *Journal of Policy Modeling*, 25: 567-583.
- Albatel, A. H. (2000). The Relationship between government expenditure and economic growth in Saudi Arabia. *J. King Saud Univ.* 12(12): 173-191.
- Alexiou, C. (2007). Unraveling the 'mystery' between public expenditure and growth: empirical evidence from Greece. *International Journal of Economics*, 1(1): 21-31.
- Barro, R. J. (1991). Economic growth in a cross-section of countries. *Quarterly Journal of Economics*, 106(2): 407-43.
- Barro, R. J. (1992). A cross country study of growth, saving and government. NBER Working paper, February.
- Dar, A. A., & Khalkhali S. A. (2002). Government size, factor accumulation, and economic growth: evidence from OECD countries. *Journal of Policy Modeling*, 12(24): 679-692.
- De Gregorio, J. (1992). Economic Growth in Latin America. *Journal of Development Economics*, 39(1): 59-84.

- Devarajan, S., & Swaroop, V., & Zou, H. (1996). The Composition of Public Expenditure and Economic Growth. *Journal of Monetary Economics*, 37: 313–44.
- Ghali, K. H. (1998). Government Size and Economic Growth: Evidence from a Multivariate Cointegration Analysis, *Applied Economics*, 31: 975-987.
- Ghosh, S., & Gregoriou, A. (2008). The Composition of Government Spending and Growth: is Current or Capital Spending Better? *Oxford Economic Papers*, 60:484-516.
- Ghura, D. (1995). Macro Policies, External Forces, and Economic Growth in Sub-Saharan Africa, *Economic Development and Cultural Change*, 43(4) : 759-78.
- Grier, K. B., & Tullock, G. (1989). an empirical analysis of cross-sectional economic growth. *Journal of Monetary Economics*, 24: 259–76.
- Gupta, S., Clements, B., Baldacci, E., & Mulas-Granados, C. (2005). Fiscal Policy, Expenditure Composition, and Growth in Low-Income Countries. *Journal of International Money and Finance*, 24: 441–63.
- Guseh, J. S. (1997). Government size and economic growth in developing countries: a political-economy framework, *Journal of Macroeconomics*, 19(1): 175-192.
- Hakro, A. N. (2009). Size of Government and Growth Rate of Per Capita Income in Selected Asian Developing Economics. *International Research Journal of Finance and Economics*, 28: 52-65.
- Hermann, K. (1999). Thomas Hobbes. Filósofo del derecho y su filosofía jurídica Books, Universidad Externado de Colombia, Facultad de Derecho, edition 1, 1, 396, January.
- Hesieh, E. & Lai, k. (1994). Government spending and economic growth: the g-7 experience, *Applied Economics*, 26: 535-542.
- Kaldor, N. (1966). Causes of the slow rate of economic growth of the United Kingdom: an inaugural lecture. Cambridge University Press.
- Karikari, J. A. (1995). Government and economic growth in a developing nation: the case of Ghana. *Journal of Economic Development*, 20(2):85-97.
- Knoop, T. A. (1999). Growth, welfare, and the size of government, *Journal of Economic Inquiry*, 37(1):103- 119.
- Landaue, D. (1986). Government and economic growth in the developing countries: an empirical study for 1960-80, economic developing and cultural change (Chicago), *nerd working paper*, 35(8): 5-15.
- Lizardo, R. & Mollick, A. V. (2009). can latin america prosper by reducing the size of government?, *Cato Journal*, 29(2): 247-266
- Romer, P. M. 1990. Capital, labor, and productivity *Brokings papers on Economic Activity: Microeconomic*, PP. 337-367.
- Roy, A. G. (2009). Evidence on Economic Growth and Government Size. *Applied Economics*, 41, PP. 607–614.
- Sheehey E.(1993). The effect of government size on economic growth, *Eastern Economic Journal*, 19(3): 321-328.
- Vedder, R., & Galloway, L.(1998). Government size and economic growth. Joint Economic Committee. available at www.house.gov/jec/.
- Wing Yuk .(2005). Government size and economic growth: Time series evidence for the United Kingdom, 1830-1993, Department of Economics, University of Victoria, B.C., IMF Working paper, Canada, 8: 1-35.

